

The Inscriptions of ‘Alī Mīrzā Āq Qoyunlu at Persepolis

Mohammadsadegh Mirzaabolghasemi¹

Abstract

‘Alī Mīrzā, the son of Sulṭān Khalīl Āq Qoyunlu, is associated with two inscriptions at Persepolis that were written and carved in 881 AH/1476 AD, one day prior to Uzun Ḥasan’s military review at Band-e Amīr. At the time, ‘Alī Mīrzā was still a minor, and these inscriptions constitute the only works attributed to him to date. These circumstances have given rise to doubts concerning the authenticity and attribution of the inscriptions and have prompted suggestions that they may have been executed by individuals other than ‘Alī Mīrzā himself. The historical correlation of these inscriptions with the well-known treatise of Jalāl al-Dīn Moḥammad Davānī on Uzun Ḥasan’s military review has further contributed to these uncertainties.

The aim of the present study is to reassess the authenticity of the inscriptions attributed to ‘Alī Mīrzā at Persepolis and to examine their relationship to Uzun Ḥasan’s military review on the basis of historical evidence and field observations. The study adopts a historical-analytical approach and relies on primary written sources in conjunction with field investigations.

The results indicate that Jalāl al-Dīn Moḥammad Davānī’s account of ‘Alī Mīrzā’s inscriptional activity at Persepolis

1. Associate Professor, School of Art and Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran.
Mirzaabolghasemi@shirazu.ac.ir

Received: November 14, 2025 - Accepted: April 23, 2026



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

corresponds closely with the extant inscriptions; nevertheless, it is unlikely that ‘Alī Mīrzā himself acted as the scribe of both. Rather, the execution of the inscriptions may be attributed to calligraphers or secretaries attached to the court of Sulṭān Khalīl. At minimum, the inscription on the eastern window of the portico of the Tachara Palace should be ascribed to Aḥmad b. Ḥusayn. Furthermore, a comparative examination of the extant manuscript copies of Davānī’s treatise makes it possible to determine that Uzun Ḥasan’s military review took place in Sha‘bān 881 AH/1476 AD, thereby allowing for a more precise dating of both the ceremony and the execution of ‘Alī Mīrzā’s inscriptions at Persepolis.

Keywords: Persepolis; Tachara Palace; inscriptions; ‘Alī Mīrzā Āq Qoyunlu; Uzun Ḥasan; military review.

کتیبه‌های علی میرزا آق‌قویونلو در تخت جمشید

محمدصادق میرزا ابوالقاسمی^۱

چکیده

علی میرزا فرزند سلطان خلیل آق‌قویونلو دو کتیبه در تخت جمشید دارد که در ۸۸۱ق، یک روز پیش از مراسم عرض سپاه اوزون‌حسن در بند امیر، نوشته و حجاری شده است. علی میرزا در این ایام خردسال بود و این کتیبه‌ها تنها آثار خوشنویسی شناخته‌شده از او به‌شمار می‌رود. این نکات مقدمه‌ی طرح شبهاتی در اعتبار و اصالت کتیبه‌های مذکور شده است و ظن آن رفته که شخصی دیگر این کتیبه‌ها را نوشته باشد. تطبیق تاریخی این کتیبه‌ها با رساله‌ی مشهور جلال‌الدین محمد دوانی از عرض سپاه اوزون‌حسن نیز بر تردیدها افزوده است. هدف این مقاله معرفی و اصالت‌سنجی کتیبه‌های علی میرزا در تخت جمشید و نسبت آن‌ها با رویداد عرض سپاه اوزون‌حسن، با استناد به شواهد تاریخی و میدانی است. مقاله پیش‌رو با روش تحقیق تاریخی و تحلیلی و بر پایه‌ی منابع مکتوب دست اول و بررسی‌های میدانی نوشته شده است؛ این بررسی نشان می‌دهد، شرح جلال‌الدین محمد دوانی از کتیبه‌نگاری علی میرزا در تخت جمشید با کتیبه‌های موجود کمابیش مطابقت می‌کند، اما بعید است علی میرزا کاتب هر دو کتیبه باشد. به‌احتمال، خوشنویسان یا منشیان ملازم رکاب سلطان خلیل در تحریر کتیبه‌ها نقش داشته‌اند. دست‌کم، کتابت کتیبه پنجره شرقی ایوان کاخ تچر را باید به احمدبن حسین نسبت داد؛ همچنین با

۱. دانشیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز. Mirzaabolghasemi@shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۳ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۵/۰۲/۰۳



بررسی و تطبیق نسخه‌های خطی موجود از این رساله می‌توان اطمینان حاصل کرد که مراسم عرض سپاه اوزون‌حسن در شعبان ۸۸۱ق برگزار شده است؛ بدین ترتیب روزهای احتمالی برگزاری مراسم عرض و تحریر کتیبه‌های علی‌میرزا در تخت‌جمشید قابل محاسبه خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: تخت‌جمشید، کاخ تچر، کتیبه‌نگاری، علی‌میرزا آق‌قویونلو، عرض سپاه اوزون‌حسن.

۱. مقدمه

کاخ تچر یکی از آثار شاخص معماری در صفت تخت‌جمشید است؛ این بنا، که به کاخ اختصاصی داریوش اول مشهور است، در ضلع جنوب غربی کاخ آپادانا قرار گرفته و از یک تالار مرکزی و ایوان جنوبی به‌همراه چندین اتاق جانبی تشکیل شده است. بدنه کاخ تچر از جنس سنگ‌های آهکی (کلسیت) است. سطح این سنگ‌ها بسیار صاف و صیقلی است؛ از همین رو، به کاخ تچر «کاخ آینه» نیز می‌گویند. بر روی این سنگ‌های صیقلی ده‌ها یادگاری از دوران اسلامی نقش بسته است. بیشتر این یادبودها بر طاقچه‌ها و پنجره‌های ایوان و تالار اصلی کاخ دیده می‌شود و قدیمی‌ترین نمونه موجود از آن به اوایل قرن چهارم هجری می‌رسد.^۱ در میان این یادگاری‌ها می‌توان نام‌ونشان برخی از شاهان و شاهزادگان و رجال ایران را ملاحظه کرد.^۲ این نکته بر اهمیت تاریخی و فرهنگی یادگاری‌های کاخ تچر افزوده است.^۳

۱. این یادداشت با رقم «احمدبن عبدالرحمن» و تاریخ ۳۱۶ق بر درگاه غربی ایوان کاخ تچر حک شده است (نک: مخلص، ۱۳۸۴: ۵۲).

۲. عضدالدوله، بهاءالدوله، ابوالکلیجار بن سلطان‌الدوله، شیخ ابواسحاق اینجو، ابراهیم‌سلطان بن شاهرخ تیموری و فرهادمیرزا معتمدالدوله از جمله رجالی به‌شمار می‌روند که یادگاری‌های آن‌ها هنوز در کاخ تچر موجود است.

۳. برای آگاهی از کتیبه‌های اسلامی در تخت‌جمشید نک: سامی، ۱۳۵۳: ۱۲-۲؛ مصطفوی، ۱۳۸۲: ۳۳۶-۳۵۱؛ مخلص، ۱۳۸۴؛ میرزاابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۹۴-۵۷. در منابع راهنما و تحقیقات جامع تخت‌جمشید نیز به‌طور معمول از کتیبه‌های اسلامی کاخ تچر یاد می‌شود (برای مثال نک: بصیری، ۱۳۲۵: ۴۲-۳۷؛ شاپورشه‌بازی، ۱۳۸۴: ۱۵۶-۱۵۴؛ Schmidt, 1953: 82-94, 140-142؛ Mousavi, 2012: 82-94, 140-142).

علی میرزا بن سلطان خلیل آق‌قویونلو از جمله کسانی است که دو کتیبه منسوب بدو در کاخ تچر به یادگار مانده است. این کتیبه‌ها به خطی خوش نوشته شده‌اند و خوش خطی علی میرزا ضمن همین کتیبه‌ها ستوده شده است؛ بااینکه، او در این ایام کودک بود. نکته دیگر، اهمیت این کتیبه‌ها در شناخت تحولات تاریخی و نظامی فارس در دوره آق‌قویونلوهاست. زمان نگارش این کتیبه‌ها با واقعه عرض سپاه اوزون‌حسن در حوالی تخت جمشید مصادف شده است؛ هرچند در این باره مطلبی در متن کتیبه‌ها نیامده، در متون تاریخی مربوط از چند و چون این واقعه، حتی شرح کتیبه‌های مذکور، سخن رفته است.

شادروان علی سامی از نخستین محققانی بود که فهرستی از کتیبه‌های اسلامی کاخ تچر تهیه کرد. او در *پایتخت‌های شاهنشاهان هخامنشی* و «یادبود دیدار پادشاهان از تچر، کاخ داریوش بزرگ» به اوصاف کلی و متن هر دو کتیبه علی میرزا پرداخت، منتها بخش آخر یکی از کتیبه‌ها را به اشتباه عبارت تاریخ کتیبه پنداشت (سامی، ۱۳۴۸: ۲۵۱ و ۲۵۲؛ سامی، ۱۳۵۳: ۶). او بخشی از تحلیل‌های انتقادی مینورسکی درباره رساله عرض سپاه اوزون‌حسن را نیز به پژوهش‌های مذکور ضمیمه کرد (سامی، ۱۳۵۳: ۱۰-۱۲). مینورسکی با توجه به روایت ملاجلال‌الدین دوانی از کتیبه‌های علی میرزا و تطبیق آن با اصل کتیبه‌ها در تخت جمشید تاریخ تقریبی تألیف رساله عرض سپاه اوزون‌حسن را معلوم کرده بود (مینورسکی، ۱۳۴۸: ۲۳۲-۲۳۰). در *اقلیم پارس* نیز متن و مختصری از مشخصات ظاهری کتیبه‌های علی میرزا بیان شده است (مصطفوی، ۱۳۸۲: ۳۳۹ و ۳۴۰). نحوه تشریح و توضیح کتیبه‌های اسلامی کاخ تچر در پژوهش‌های علی سامی و محمدتقی مصطفوی مشابه یکدیگر است و چه‌بسا سابقه آن به همکاری مشترک آن‌ها در تألیف کتاب *تخت جمشید می‌رسد* (سامی و مصطفوی، ۱۳۳۴: ۴۴-۴۰).

در پژوهشی در *کتیبه‌های دوران اسلامی تخت جمشید (کاخ داریوش)* نیز درباره کتیبه‌های علی میرزا بحث شده است. احتمال نقش‌آفرینی احمدبن حسین در کتابت سطور پایانی یکی از کتیبه‌ها از مباحث شایان توجه این پژوهش به نظر می‌رسد (نک: مخلص، ۱۳۸۴: ۱۶۶-۱۴۷). البته، این نظر پیش‌تر در نقد اصالت گفته‌های قاضی احمد منشی قمی در *گلستان هنر مطرح شده بود* (نک: منصور، ۱۳۶۶: ۳۷). در کتیبه‌های

یادمانی فارس نیز به مختصات و مشخصات این کتیبه‌ها توجه شده است (میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۹۴-۹۰). جورج لیب نیز به تحلیل ادبی و اجتماعی کتیبه‌های علی میرزا پرداخته و بدین بهانه سخن دراز کرده است؛ او این کتیبه‌ها را مصداقی از فرهنگ مادی ترکمانان در بازنمایی قدرت، از راه ارتباط با قلمرو و بناهای حکومت‌های پیشین، قلمداد می‌کند (Leube, 2018: 479-506). اصل این حرف مرهون نظریه ملکیان شیروانی درباره کتیبه‌های دوران اسلامی در تخت جمشید است (Melikian-Chirvani, 1971: 1-41).

در این پژوهش‌ها کمابیش خواندن متن کتیبه‌ها و مسائل تاریخی مربوط آن مطمح نظر واقع شده است؛ با این همه، هنوز تردیدهایی در میزان اعتبار این کتیبه‌ها وجود دارد که بیشتر متکی بر دو مسئله است: یکی چگونگی نگارش این کتیبه‌ها و نسبت خط آن‌ها به علی میرزا؛ و دیگری مطابقت تاریخی کتیبه‌ها با عرض سپاه اوزون‌حسن در بند امیر. هدف از نوشتن این مقاله بررسی دقیق شواهد تاریخی و تحلیل ویژگی‌های ظاهری کتیبه‌های علی میرزا در تخت جمشید برای ارزیابی و پاسخ‌گویی بدین مسائل است. مقاله پیش رو با روش تحقیق تاریخی و تحلیلی و بر پایه منابع مکتوب دست اول و بررسی‌های میدانی نوشته شده است.

۲. موقعیت و مشخصات ظاهری کتیبه‌ها

مابین ایوان و تالار اصلی کاخ تچر یک دیواره سنگی وجود دارد. این دیواره شامل یک درگاه میانی است که مدخل آمدوشد از ایوان به تالار است. چهار پنجره نیز در طرفین این درگاه قرار گرفته است. اهم کتیبه‌های دوران اسلامی تخت جمشید، از جمله کتیبه‌های علی میرزا، بر این درگاه و پنجره‌ها کنده شده است.

یکی از کتیبه‌های علی میرزا بر بدنه داخلی پنجره اول از جانب شرقی افتاده است. این کتیبه با تحمیدیه «الله الباقی» به خط محقق جلی در قابی چهارگوش به ضلع ده سانتی متر آغاز می‌شود. مابقی عبارت کتیبه نیز در قابی جداگانه با ابعاد تقریبی ۵۳×۲۳ سانتی متر در شش سطر خط‌بندی و نوشته شده است. سطر نخست و آخر قاب مذکور

با قلم متمایل به تویع نگاشته شده و سطرهای میانی با قلم محقق به تحریر آمده است.^۱ خط‌بندی‌های این کتیبه را می‌توان نشانه‌مسطر هر سطر گرفت، متنها خطوط طولی دور قاب در انتهای سطر دوم و بخشی از ابتدای سطرهای سوم و چهارم شکسته و مقدار ناچیزی عقب نشسته است.

شیوه‌قاب‌بندی در این کتیبه با کتیبه دیگر علی میرزا، که بر پایه غربی درگاه رو به ایوان حجاری شده است، کمابیش مشابه به نظر می‌رسد. قاب تحمیدی این کتیبه نیز با ابعاد ۱۰×۲۰ سانتی‌متر از بدنه اصلی کتیبه متمایز، اما بدان متصل است. اشعاری از مخزن‌الاسرار نظامی به‌ازای هر بیت در یک سطر در ادامه این کتیبه نوشته شده است.^۲ با احتساب سطر رقم کاتب در مجموع این قاب با ابعاد تقریبی ۵۰×۳۰ سانتی‌متر در هشت سطر تنظیم شده است و ادامه ترقیم کتیبه در سطری - که در واقع عبارت تاریخ کتیبه است - با اندازه پهنای کمتر بدان اضافه شده است. بیتی که در آن از خط علی میرزا تمجید شده است نیز زیر این سطر افتاده است و پایان کتیبه دوم است. متن این کتیبه به خط ثلث نوشته شده، منتها دانگ قلم در تحریر عبارت تحمیدیه بزرگ‌تر از مابقی کتیبه بوده است و سطر رقم کتیبه به تویع متمایل شده است. مشابه کتیبه پیشین مختصر تزئیناتی نیز لابه‌لای برخی سطرهای این کتیبه دیده می‌شود.

۳. متن کتیبه‌ها

۳-۱

«الله الباقي»

لأمیر المؤمنین علی - کرم الله وجهه -

این الملوک الّتی کانت مسالّطه

حتّی سقاها بکأس الموت ساقیها

کم من مداین فی الآفاق قد بنیت

أمست خراباً و دار الموت أهلیها

حرّره علی بن سلطان خلیل بن سلطان حسن وهو ابن تسع سنین» (تصویر ۱).

۱. پژوهش‌های پیشین خط این کتیبه را ثلث یا نسخ معرفی می‌کنند (برای مثال نک: مصطفوی، ۱۳۸۲:

۳۴۰؛ مخلصی، ۱۳۸۴: ۱۴۷؛ میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۹۰).

۲. تقدم و تأخر این ابیات مدنظر قرار نگرفته است.



(تصویر-۱): کتیبه‌های علی میرزا آق‌قویونلو و احمدبن حسین بر دیوار پنجره شرقی میان ایوان و تالار کاخ
تجر. حجاری، محقق و توفیق و تعلیق، سال ۸۸۱ق.

۲-۳.

«آنکه پاینده و باقیست خدا خواهد بود

صحبت دنیا که تمنا کند

ملک سلیمان مطلب کان هباست

زین گهر و گنج که نتوان شمرد

خاک شد آنکس که درین خاک زیست

هر ورقسی چهره آزاده‌ایست

با که وفا کرد که با ما کند

ملک همانست سلیمان کجاست

سام چه برداشت سلیمان چه برد

خاک چه داند که درین خاک چیست

هر قدمی فرق ملک‌زاده‌ایست

۹ | کتیبه‌های علی میرزا آق‌قویونلو در تخت جمشید

عمر بخشودی دلها گذار تا ز تو خوشنود بود کردگار
هر که به نیکی عمل آغاز کرد نیکی او روی بدو باز کرد
حرره علی بن سلطان خلیل بن سلطان حسن - أصلح الله شأنهم -
فی شهر سنه إحدى وثمانین وثمانمئة.
یکی از عنایات حقست این که نه ساله ام می نویسم چنین»



(تصویر-۲): کتیبه علی میرزا آق‌قویونلو بر پایه غربی درگاه ایوان کاخ تچر. حجاری، ثلث و توقيع، سال ۸۸۱ق.

۴. گزارش متون تاریخی از کتیبه‌ها

در رساله عرض سپاه اوزون‌حسن، که گزارش سان عساکر و قوای نظامی آق‌قویونلو در

فارس است، شرح مبسوطی از چرایی و چگونگی نگارش کتیبه‌های علی میرزا در تخت جمشید آمده است؛ این گزارش نشان می‌دهد که سلطان خلیل آق قویونلو به همراه خدمت‌وحشم، پیش از موعد برگزاری عرض سپاه در بند امیر، دست‌کم به مدت یک روز در تخت جمشید توقف کرده است. به ظاهر او متوجه یادگاری‌های موجود در کاخ تچر می‌شود و تحت تأثیر خطوط ابراهیم سلطان بن شاهرخ تیموری (۷۹۶-۸۳۸ق) در آن موضع قرار می‌گیرد؛ بنابراین، فرزند همراه خود، علی میرزا، را تکلیف و ترغیب می‌کند تا در برابر کتیبه ابراهیم سلطان مطالب مناسبی بنگارد. متن و ترتیب این مطالب در رساله دوانی به قرار زیر است:

«این الملوک التی کانت مسلطه حتی سقاها بکاس الموت ساقیها
کم من مداین فی الافاق قد فیت امست خرابا وذاب الموت أهلیها

و بعد از آن چند بیت از نظم نظامی - نظمه الله فی سلک المقربین -

بیت

صحبت دنیا که تمنا کند با که وفا کرد که با ما کند
ملک سلیمان مطلب کان هباست ملک همان است سلیمان کجاست
زین گهر و گنج که نتوان شمرد سام چه برداشت سلیمان چه برد
خاک شد آن کس که درین خاک زیست خاک چه داند که درین خاک چیست
هر ورقی چهره آزاده‌ای است هر قدمی فرق ملک‌زاده‌ای است
عمر بخشنودی دل‌ها گذار تا ز تو خشنود بود کردگار
هر که به نیکی عمل آغاز کرد نیکی او روی بدو باز کرد

و بعد از اسم همایون و تاریخ زمان کتابت به این بیت از نتایج بدیهه طبع لطیف صدر عالی قدر که مشتمل بر تعیین سن شریف [است] - که به نهایت ادوار و غایت اعمار برسد - ختم فرمودند:

یکی از عنایات حق است این که نه ساله‌ام می‌نویسم چنین» (دوانی، ۱۳۳۵: ۴۴ و ۴۵).

همان‌طور که مشخص است، متن کتیبه‌های علی میرزا در تخت جمشید از گزارش

دوانی مقداری متفاوت است. وجهی از این اختلاف به قرائت کتیبه‌ها باز می‌گردد؛ برای مثال ترقیمه کتیبه نخست یا تحمیدیه‌های هر دو کتیبه در روایت دوانی حذف شده است. عبارات «قد بنیت» و «دار الموت» نیز در ابیات منسوب به امیرالمؤمنین به صورت «قد فنیت» و «ذاب الموت» آمده است، که می‌تواند ناشی از خطای ضبط باشد.^۱ دیگر اینکه در رساله عرض سپاه اوزون‌حسن تصریحی بر مجزای بودن این کتیبه‌ها وجود ندارد و به نوعی متن آن‌ها در ادامه و همراه هم روایت شده است.

قریب همین ایرادات بر روایت قاضی احمد از کتیبه‌های علی میرزا نیز وارد است. او در رساله گلستان هنر می‌نویسد: «این ابیات در عمارت تخت جمشید، که در مرودشت شیراز واقع است و بر سنگ نقش شده، به خط او مشاهده شد» و سپس متن یکی از کتیبه‌های علی میرزا را ذکر می‌کند (منشی قمی، ۱۳۸۳: ۳۱ و ۳۲). از این عبارت این‌طور برداشت می‌شود که او از نزدیک خطوط علی میرزا را در کاخ تچر دیده و به ثبت متن آن‌ها اهتمام ورزیده است؛ با این حال، فرض صائب این است که روایت قاضی احمد از رساله دوانی اقتباس شده باشد. از برخی اختلافات جزئی که بگذریم، صورت متن کتیبه مذکور در گلستان هنر و رساله عرض سپاه مشابه است.^۲ حتی لفظ «مشاهده شد» در کلام قاضی احمد می‌تواند مقتبس از «رأی العین» علامه دوانی باشد (نک: دوانی، ۱۳۳۵: ۳۶).

در منابع تاریخ محلی متأخر مانند آثار عجم یا فارسنامه ناصری نیز متن کتیبه‌های

۱. تصحیح رساله عرض سپاه اوزون‌حسن بر اساس سه نسخه خطی از سده‌های دهم و یازدهم انجام شده است (نک: دوانی، ۱۳۳۵: ۲۶). به احتمال، علت این اختلافات جزئی از ضبط کاتبان پیش آمده باشد؛ برای مثال در نسخه‌های در دسترس عبارت مذکور مشابه متن کتیبه نقل شده است (نک: دوانی، رساله عرض (نسخه خطی)، ش ۱۳۸۷۵/۲؛ دوانی، رساله عرض (نسخه خطی)، ش ۶۷۱۰/۲؛ دوانی، رساله عرض (نسخه خطی)، ش ۷۲۶۵/۵؛ دوانی، رساله عرض (نسخه خطی)، ش ۵۶۸۵/۲۳). البته صحیح این عبارت، در دیوان منسوب به امیرالمؤمنین (ع)، «دان الموت» است (نک: بیهقی نیشابوری کیدری، ۱۳۸۱: ۶۳۸؛ میبدی یزدی، ۱۳۷۹: ۷۸۸).

۲. در زمان نگارش گلستان هنر (حدود ۱۰۰۵ق) بیش از پنجاه یادگاری از دوران اسلامی بر بدنه کاخ تچر وجود داشته است؛ با این حال، در سراسر گلستان هنر تنها از همین کتیبه در تخت جمشید یاد شده است. گزارش قاضی احمد از محل تولد و سن علی میرزا نیز با روایات تاریخی منطبق نیست.

علی میرزا نقل شده است. کارستون نیبور نیز رونوشتی از این کتیبه‌ها در سفرنامه خود ارائه کرده است. میان این نقل قول‌ها و اصل کتیبه‌ها نیز اختلاف و اشتباهی چند دیده می‌شود. مینورسکی با استناد به گفته فرصت‌الدوله درباره کتیبه کوفی عضدالدوله دیلمی (۳۴۴ق) در کاخ تچر حدس زده است نقل متن کتیبه‌های علی میرزا در آثار عجم متأثر از ترجمه فرانسوی سیلویستر دوساسی از رونوشت نیبور از این کتیبه‌ها بوده است (مینورسکی، ۱۳۴۸: ۲۳۰ و ۲۳۱). این گفته بعید به نظر نمی‌رسد؛ برای مثال بخشی از سطر پایانی کتیبه علی میرزا بر پنجره ایوان کاخ تچر، که خواندن آن تائید‌دهنده‌ای دشوار است، در تحریر نیبور و دوساسی و فرصت‌الدوله شیرازی و میرزااحسن حسینی فسایی به اشتباه عبارت تاریخ کتیبه تصور شده و به صورت «سنه تسع وستین وثمانمائه» خوانده شده است (نک: نیبور، ۱۳۵۴: ۲۴۰؛ فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۲۸۴/۱-۲۸۶؛ حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۱۵۳۶/۲ و ۱۵۳۷؛ خوب‌نظر، ۱۳۸۰: ۶۴۹ و ۶۵۰).

۵. کاتب و علت نگارش کتیبه‌ها

به فاصله اندکی از سطر پایانی کتیبه علی میرزا، در پنجره شرقی میان ایوان و تالار کاخ تچر، تحریری مختصر وجود دارد که در دو سطر جدا قاب‌بندی شده است. سطر نخست این کتیبه به قلم محقق است و سطر دوم با عبارت «خط بنده کمترین احمدبن حسین، غلام حضرت شاهزاده عالمیان علی میرزا، فی ۸۸۱» با قلمی نزدیک به تعلیق نوشته شده است.

از قضا، خط و شمایل کلی این دو سطر به سطرهای محقق و توقیع کتیبه علی میرزا در همین پنجره مشابه به نظر می‌رسد؛ بر اساس همین شباهت، در اصالت و اعتبار خط این کتیبه تردید پیش آمده و کل کتیبه مذکور یا دست‌کم بخشی از سطور آن به قلم «احمدبن حسین» دانسته شده است (نک: منصور، ۱۳۶۶: ۳۷؛ مخلص، ۱۳۸۴: ۱۶۴). استفاده از ضمیر «هو» در رقم علی میرزا و صفت «کمترین» پیش از نام احمدبن حسین نیز در تأیید این نکته شاهد گرفته شده است (مخلص، ۱۳۸۴: ۱۶۴). فاصله اندک میان این دو کتیبه حتی این تصور را پیش آورده که هر دو متن بخشی از یک کتیبه است

(منصوری، ۱۳۶۶: ۳۷).^۱

از آثار خوشنویسی علی میرزا هیچ نمونه‌ای، به جز دو کتیبه منسوب بدو در کاخ تچر، در دسترس نیست؛ علاوه بر گفته‌های مبالغه‌آمیز علامه دوانی، خط این شاهزاده آق‌قویونلو در *مرآت‌الادوار و مرقات‌الانخبار* نیز با اشاره به همین کتیبه‌ها تحسین شده است.^۲ اما سایر منابع تاریخی معتبر در این باره اطلاع چندانی به دست نمی‌دهند. گفته‌های قاضی احمد منشی قمی نیز متکی به گزارش علامه دوانی در رساله عرض سپاه اوزون‌حسن است؛ با این حال، در پایان هر دوی این کتیبه‌ها بر نه‌سالگی علی میرزا در آن ایام تأکید شده است و البته منظور اصلی عبارات مذکور تحسین خط او در عین کودکی بوده است.

سلطان خلیل آق‌قویونلو، که بعد از وفات اوزون‌حسن (۸۸۲ق) در آذربایجان به‌جای پدر نشسته بود، در ربیع‌الثانی ۸۸۳ق - نزدیک دو سال بعد از مراسم عرض سپاه آق‌قویونلو در فارس - در گذشت (منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۸۳؛ خنجی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۶۱-۱۶۳؛ قزوینی، ۱۳۸۶: ۲۵۲). از احوال علی میرزا در این دوره با عنوان «طفلی غافل با لله‌ای ناقابل» یاد می‌شود (خنجی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۶۳). به‌ظاهر او از این پس روی آرامش ندید و مدام در گریز و ستیز بود تا اینکه در شب وفات سلطان یعقوب آق‌قویونلو (یازدهم صفر ۸۹۶ق)، در عنفوان جوانی، به دست صوفی خلیل موصل‌لو کشته شد (منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۸۷؛ قزوینی، ۱۳۸۶: ۲۵۴)؛ بنابراین، تاندازه‌ای، طبیعی است اگر از هنرهای احتمالی او وصف چندانی نشنویم یا نمونه شایانی سراغ نداشته باشیم.

به‌طور کلی، در کتابت اقلام سته استفاده از خط یا دانگ قلم متفاوت از متن برای

۱. به‌نظر می‌رسد فیروز منصوری خود به موقعیت این دو کتیبه در تخت جمشید واقف نبوده و این استناد را از گفته‌های علی سامی به اشتباه برداشت کرده است.

۲. «در صغر سن نوعی می‌نوشت که لطافت آن منور انظار و موجب حیرت اولو الابصار بود. در چهل‌منار که مذکور شد، که یکی از آثار جمشید است، بر سنگی نوشته که: یکی از عنایات حق است این / که نه ساله‌ام می‌نویسم چنین» (لاری، ۱۳۹۳: ۱۸۹۳/۲).

نوشتن ترقیمه‌ها متداول بوده است و از قضا از خط توقیع و رقاع برای این کار استفاده شده است؛ بنابراین، اختلاف خط سطر پایانی کتیبه علی میرزا، در پنجره شرقی ایوان کاخ تچر، چندان عجیب نمی‌نماید. کتیبه احمدبن حسین نیز کمابیش مشابه همین شیوه تحریر شده است. تمایز این دو کتیبه، به‌رغم نزدیکی فاصله میان آن‌ها، به‌طور کامل مشهود است. این نکته تا اندازه‌ای از صورت ظاهری کتیبه‌ها و موقعیت آن‌ها نسبت به یکدیگر معلوم است؛ وانگهی، وجود تحمیدیه و ترقیمه برای هر کدام از کتیبه‌ها تصور واحد بودن آن‌ها را کامل منتفی می‌کند.

همان‌طور که می‌دانیم در نحو عربی «ه» ضمیر متصل مفعولی برای مذكر غایب است و با ترکیب‌هایی مانند «حرره»، «کتبه»، «نمقه»، «نقله»، «عمله» در ابتدای رقم مکتوبات فارسی و عربی استفاده می‌شود. «هو» نیز جزو ضمائر فاعلی منفصل غایب است که می‌تواند همین نقش را ایفا کند؛ هرچند در کتیبه پنجره شرقی ایوان کاخ تچر برای بیان سن کاتب به کار رفته است. «کمترین» نیز صفتی متداول در بیان متواضعانه نام کاتبان و هنرمندان در ترقیمه‌هاست و استفاده از آن در رقم احمدبن حسین توجیه‌پذیر است؛ با این همه، شباهت خط و رابطه میان این دو کتیبه را به هیچ‌وجه نمی‌توان نادیده انگاشت و از نظر دور داشت. وجود کتیبه احمدبن حسین ذیل کتیبه علی میرزا، شباهت چشمگیر خط این دو کتیبه نسبت به یکدیگر، سن پایین علی میرزا در زمان نگارش کتیبه‌ها و تصریح احمدبن حسین به عنوان غلام و ملازم رکاب علی میرزا، این فرض که کتیبه علی میرزا در پنجره شرقی ایوان کاخ تچر را احمدبن حسین نوشته باشد بیش‌ازپیش تقویت می‌کند.

از اینها گذشته، شاکله کلی خطوط در کتیبه‌های علی میرزا در کاخ تچر به قدری متفاوت است که بی‌گمان نمی‌تواند اثر قلم همزمان یک نفر - آن‌هم کودکی نه ساله - باشد؛ بدین ترتیب، اگر به فرض بپذیریم کتیبه علی میرزا در پنجره شرقی ایوان کاخ تچر را احمدبن حسین نوشته است، کتیبه دیگر علی میرزا یا به خط خود اوست یا شخص سومی آن را به نام شاهزاده آق‌قویونلو نگاشته است. در تدارک مراسم عرض سپاه اوزون‌حسن، جمع زیادی از ادیبان و بزرگان فارس در رکاب سلطان خلیل ملازم بودند

و هم‌اینان مضامین کتیبه‌های علی میرزا را برگزیدند. بیت متضمن تحسین خوشنویسی علی میرزا نیز اثر طبع قاضی علاءالدین بیهقی، صدر دیوان سلطان خلیل آق‌قویونلو، بود (دوانی، ۱۳۳۵: ۴۵). هیچ بعید نیست قلم علی میرزا در این کتیبه‌ها با تصرف و اصلاح منشیان یا خوشنویسان حاضر همراه شده باشد.

کتیبه علی میرزا در پنجره شرقی ایوان کاخ تچر کنار یکی از کتیبه‌های ابراهیم سلطان نوشته شده است.^۱ موقعیت کتیبه دیگر او نیز با یکی دیگر از کتیبه‌های ابراهیم سلطان در کاخ تچر (ضلع غربی ایوان) قابل تطبیق است؛ این دو کتیبه بر پایه‌ها، رو به ایوان، حک شده است. این موضوع با گفته دوانی در رساله عرض سپاه اوزون‌حسن مطابق است. او تصریح کرده است که سلطان خلیل پس از تماشای خطوط ابراهیم سلطان در تخت جمشید از فرزند خود خواست تا «در مقابل آن خطوط چند بیتی مناسب حال» بنویسد. متن کتیبه ابراهیم سلطان در پنجره شرقی ایوان کاخ تچر ابیاتی از ابوطیب احمد متنبی (۳۰۳-۳۵۴ق)، در وصف ناپایداری عالم و زوال زندگی دنیوی است. به احتمال، انتخاب اشعار منسوب به امیرالمومنین (ع) برای کتیبه علی میرزا در این پنجره از همین نکته متأثر بوده است. ابیات منتخب از بوستان سعدی در کتیبه دیگر ابراهیم سلطان نیز نزدیک به همین مضامین را بازگو می‌کند و مصداق مشابه آن را می‌توان در کتیبه علی میرزا بر درگاه ایوان کاخ تچر دید، که بی‌اعتباری دنیا را این‌بار با ابیاتی از مخزن‌الاسرار نظامی بیان کرده است.

دوانی در ادامه شرح ماجرا و در مقدمه گزارش متن کتیبه‌ها به موضوع انتخاب ابیات نظامی اشاره کرده است. از فحوای این کلام دو نکته فهمیده می‌شود: یکی اینکه به احتمال زیاد سلطان خلیل در مواجهه با کتیبه‌ای از ابراهیم سلطان، که در آن ابیاتی از سعدی نقل شده، به صرافت افتاده و کتیبه‌نگاری فرزند خود، علی میرزا، را پیش کشیده است؛ دیگر اینکه این ابیات را ملازمان سلطان خلیل برگزیده و انتخاب کرده‌اند؛ با

۱. این کتیبه یکی از سه کتیبه رقم‌دار ابراهیم سلطان تیموری در کاخ تچر است و متن آن چنین است: «أین الاکاسرة الجابرة الاولى / کنزوا الکنوز فما بقین ومابقوا. کتبه [ابرهیم] سلطان بن شاهرخ، فی سنة ۸۲۶» (دربارۀ کتیبه‌های ابراهیم سلطان در تخت جمشید نک: میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۸۸، ۲۵-۲۷؛ مخلصی، ۱۳۸۴، ۱۲۷-۱۳۰).

این همه، در موقع گزارش متن کتیبه‌های علی میرزا ابتدا اشعار منسوب به امیرالمؤمنین (ع) بیان شده است. اهمیت این موضوع در تشخیص تقدم نگارش کتیبه‌های علی میرزا در تخت جمشید است.

بحث دوانی بیشتر به گزارش ابیات مندرج در این کتیبه‌ها گذشته است و موقع نقل متن آن‌ها نیز به صراحت گفته است: «و آن ابیات این است» (دوانی، ۱۳۳۵: ۴۴)؛ بنابراین می‌توان از بی‌توجهی او در بیان برخی جزئیات مانند تحمیدیه‌های هر دو کتیبه چشم پوشید. علامه دوانی سخنی از احمدبن حسین و کتیبه او در این بین نیاورده است. این کتیبه زیر کتیبه علی میرزا در پنجره ایوان شرقی کاخ تچر افتاده و به قطع پس از آن، بلکه بعد از کتیبه دیگر علی میرزا، نوشته شده است؛ بنابراین اگر این کتیبه را به انضمام سطر پایانی کتیبه علی میرزا در نظر بگیریم، کمابیش به گزارش علامه دوانی از کتیبه‌ها نزدیک می‌شویم.

۶. تاریخ تحریر کتیبه‌ها

از شواهد چنین بر می‌آید که علامه دوانی رساله خود را در ایام برگزاری سان سپاه در بند امیر نوشته است. زمان دقیق برگزاری این مراسم در متون تاریخی چندان روشن نشده است. این رساله نیز تاریخ کتابت ندارد و تنها در آن از «فصل خریف» و «ماه مبارک» سخن رفته است؛ با وجود این، مطابق تاریخ کتیبه‌های علی میرزا در تخت جمشید، این مراسم باید در سال ۸۸۱ق برگزار شده باشد.

مینورسکی به درستی در مطابقت این تاریخ‌ها تشکیک کرده و بر آن دو نکته ظریف گرفته است: نخست اینکه به طور معمول ماه رمضان را «ماه مبارک» می‌گویند و ماه رمضان سال ۸۸۱ق با اوایل زمستان مصادف است، نه فصل پاییز؛^۱ دیگر اینکه ماه رمضان برای فراخواندن و دیدن سپاه چندان مناسب نمی‌نماید (مینورسکی، ۱۳۴۷: ۱۹۴ و ۱۹۵).

در کلام متکلفانه و منشیانه دوانی بارها خزان طبیعت وصف می‌شود و به هر نحو

۱. اول رمضان ۸۸۱ق برابر پنجم یا ششم دی ماه بوده است.

ممکن اعتدال پاییزی بر اعتدال بهاری ترجیح داده می‌شود؛ بنابراین جای تردید نمی‌ماند که عرض سپاه اوزون‌حسن و به تبع آن کتابت کتیبه‌های علی میرزا در پاییز ۸۸۱ق روی داده است، اما اصلی‌ترین استناد به «ماه مبارک» در این رساله متکی به وصف آغاز عرض با این عبارت است: «بامداد یوم الخمیس ماه مبارک [---] به وقت آنکه سلطان ممالک افلاک بر منظر فیروزه چهارم فلک ارتفاع یافت». در نسخه‌های اساس تصحیح رساله عرض، همچنین نسخه‌ای که در اختیار مینورسکی قرار داشت، نام این ماه مبارک نیامده است (نک: دوانی، ۱۳۳۵: ۴۶؛ مینورسکی، ۱۳۴۷: ۲۰۲؛ دوانی، رساله عرض (نسخه خطی)، ش ۱۴۳۸). در کهن‌ترین رونوشت شناخته‌شده از این رساله (۸۸۸ق) نیز به نام این ماه اشاره نمی‌شود (دوانی، رساله عرض (نسخه خطی)، ش ۲۰۴۲/۲)؛ با این حال، در معدودی از نسخه‌های موجود از این رساله از ماه شعبان سخن رفته است؛ به عبارتی، عرض سپاه اوزون‌حسن در «بامداد یوم الخمیس ماه مبارک شعبان» ۸۸۱ق آغاز شده است.^۴ اول شعبان ۸۸۱ق با روز سه‌شنبه ششم آذرماه مصادف می‌شود.^۵ مراسم عرض سپاه نیز در روزهای پنج‌شنبه و جمعه و شنبه ترتیب پذیرفته و سلطان خلیل یک روز پیش‌تر در تخت جمشید حضور داشته است. با این حساب، کتیبه‌های علی میرزا می‌تواند در روز چهارشنبه دوم یا نهم یا شانزدهم شعبان ۸۸۱ق نوشته شده باشد.

۱. هرچند بهار رنگ‌وبویی دارد / وز صوت هزارهای وهویی دارد

انواع فواکه است در فصل خریف / گر گویم از آن به است رویی دارد (دوانی، ۱۳۳۵: ۳۸).

۲. در بیشتر نسخه‌هایی که از رساله عرض سپاه اوزون‌حسن در دست است نیز چنین است (برای مثال نک: دوانی، رساله عرض (نسخه خطی)، ش ۹۰۱/۱۸؛ دوانی، رساله عرض (نسخه خطی)، ش ۱۰۷۲۴/۴؛ دوانی، رساله عرض (نسخه خطی)، ش ۱۳۸۷۵/۲؛ دوانی، رساله عرض (نسخه خطی)، ش ۶۷۱۰/۲؛ دوانی، رساله عرض (نسخه خطی)، ش ۷۲۶۵/۵؛ دوانی، رساله عرض (نسخه خطی)، ش ۵۶۸۵/۲۳).

۳. برای مثال نک: دوانی، رساله عرض (نسخه خطی)، ش ۳۸۴۴/۳. این نسخه به احتمال زیاد در نیمه اول قرن یازدهم هجری کتابت شده است (افشار و دانش‌پژوه، ۱۳۶۹: ۸۳-۹۲). همین‌طور، نسخه بدل (ج) در تصحیح رساله عرض سپاه اوزون‌حسن که به مصحح تعلق داشته است (نک: دوانی، ۱۳۳۵: ۴۶).

۴. «مبارک» صفت همراه ماه رمضان است، اما برای برخی ماه‌های دیگر مانند رجب و شعبان نیز به‌کار می‌رود.

۵. این روز با تقویم تطبیقی قمری و میلادی نیز مطابق است (نک: ووستنفلد و ماهلر، ۱۳۶۰: ۱۷۷).

۷. نتیجه‌گیری

سلطان خلیل آق‌قویونلو را باید محرک اصلی نگاشتن کتیبه‌های منسوب به علی‌میرزا دانست. او یک روز پیش از برگزاری مراسم عرض سپاه در بند امیر از تخت جمشید بازدید کرده است و از دیدن یادگاری‌های کاخ تچر، به‌ویژه کتیبه‌های ابراهیم سلطان‌بن‌شاهرخ تیموری (۷۹۶-۸۳۸ق)، متأثر شده است؛ به‌عبارت دیگر، اگر عرض سپاه اوزون‌حسن در بند امیر علت حضور سلطان خلیل آق‌قویونلو در تخت جمشید باشد، وجود کتیبه‌های ابراهیم‌سلطان نیز بهانه اصلی تحریر کتیبه‌های علی‌میرزا در کاخ تچر بوده است. در رساله‌ی علامه دوانی به این نکته اذعان می‌شود. از تطبیق کلی موقعیت و متن کتیبه‌ها نیز تا اندازه‌ای می‌توان به این دریافت رسید؛ از همین رو، در کتیبه‌های علی‌میرزا به واقعه‌ی عرض سپاه اوزون‌حسن هیچ اشاره‌ای نمی‌شود. محتوای این کتیبه‌ها، مشابه مضامین متداول در دیگر یادگاری‌های موجود در تخت جمشید، از دنیای ناپایدار و بی‌اعتبار خبر می‌دهد.

اساس خط در کتیبه‌های منسوب به علی‌میرزا در پنجره شرقی ایوان و پایه غربی درگاه کاخ تچر به ترتیب محقق و ثلث است. رقم کتیبه‌ها نیز به توفیق متمایل شده است. در متن هر دو کتیبه بر توانایی علی‌میرزا در خوشنویسی اصرار می‌شود، اما فرم کلی خطوط به قدری متفاوت است که نمی‌تواند اثر قلم همزمان یک خوشنویس - آن‌هم در سن خردسالی - باشد؛ از این رو، فرضیه انتساب خط کتیبه علی‌میرزا در پنجره شرقی ایوان کاخ تچر به احمدبن حسین بعید به نظر نمی‌رسد. احمدبن حسین زیر کتیبه علی‌میرزا در این پنجره از خود متنی را به یادگار گذاشته است. موقعیت این یادگاری و شباهت خط آن به خط کتیبه علی‌میرزا، همچنین اشاره او به عنوان غلام و ملازم رکاب علی‌میرزا، این فرض که کتیبه منسوب به علی‌میرزا در پنجره شرقی ایوان کاخ تچر را احمدبن حسین نوشته باشد محتمل‌تر می‌کند. در انتساب خط کتیبه دیگر علی‌میرزا نیز می‌توان تشکیک کرد، اما نمی‌توان آن را مانند کتیبه نخست به‌طور حتم از احمدبن حسین دانست؛ به‌عبارتی، اگر کتیبه علی‌میرزا در پنجره شرقی ایوان کاخ تچر را احمدبن حسین نوشته باشد، کتیبه دیگر او یا به خط خود اوست یا شخص سومی آن را

به نام علی میرزا نوشته است و به احتمال، منشیان یا خوشنویسان ملازم سلطان خلیل در نوشتن این کتیبه نیز دخل و تصرف کرده‌اند. از آثار خوشنویسی علی میرزا تاکنون هیچ نمونه دیگری، به جز این دو کتیبه نمی‌شناسیم.

بررسی نسخه‌های خطی موجود از رساله دوانی و تطبیق تاریخی آن با کتیبه‌های علی میرزا در تخت جمشید نشان می‌دهد که مراسم عرض سپاه در روزهای پنج‌شنبه، جمعه و شنبه به تاریخ سوم تا پنجم، یا دهم تا دوازدهم، یا هفدهم تا نوزدهم شعبان ۸۸۱ ق برگزار شده است؛ همچنین حضور سلطان خلیل و تحریر کتیبه‌های علی میرزا در تخت جمشید با روز چهارشنبه دوم یا نهم یا شانزدهم شعبان ۸۸۱ ق مصادف بوده است.

فهرست منابع

- افشار، ایرج، دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۶۹)، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک*، ج ۷، با همکاری محمدباقر حجتی و احمد منزوی، تهران: کتابخانه ملی ملک.
- بصیری، حسین (۱۳۲۵)، *راهنمای تخت جمشید*، تهران: وزارت فرهنگ.
- بیهقی نیشابوری کیدری، محمد بن حسین (۱۳۸۱)، *دیوان امام علی علیه السلام*، تصحیح ابوالقاسم امامی، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه.
- حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۳۸۲)، *فارسنامه ناصری*، ج ۲، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.
- خنجی اصفهانی، فضل‌الله روزبهان (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم‌آرای امینی (شرح حکمرانی سلاطین آق‌قویونلو و ظهور صفویان)*، تصحیح محمداکبر عشیق، تهران: میراث مکتوب.
- خوب‌نظر، حسن (۱۳۸۰)، *تاریخ شیراز*، به کوشش جعفر مؤید شیرازی، تهران: سخن.
- دوانی، جلال‌الدین محمد (۱۳۳۵)، «رساله عرض سپاه اوزون‌حسن»، به کوشش ایرج افشار، *مجله ادبیات دانشگاه تهران*، شماره ۱۱، صص ۲۶-۶۶.
- سامی، علی (۱۳۴۸)، *پایتخت‌های شاهنشاهان هخامنشی (شوش، هگمتانه، تخت جمشید)*، شیراز: چاپخانه موسوی.
- سامی، علی، مصطفوی، محمدتقی (۱۳۳۴)، *تخت جمشید*، شیراز: چاپخانه موسوی.
- سامی، علی (۱۳۵۳)، «یادبود دیدار پادشاهان از تاجر، کاخ داریوش بزرگ»، *هنر و مردم*، شماره ۱۴۸، صص ۲-۱۲.
- شاپور شهبازی، علی‌رضا (۱۳۸۴)، *راهنمای مستند تخت جمشید*، شیراز: بنیاد پژوهشی پارسه.
- فرصت شیرازی، محمدنصیر (۱۳۷۷)، *آثار عجم*، ج ۱، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.

- قزوینی، یحیی بن عبداللطیف (۱۳۸۶)، *لب التواریخ*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- لاری، مصلح‌الدین محمد (۱۳۹۳)، *مرآت الادوار و مرقات الاخبار*، ج ۲، تصحیح سیدجلیل ساغروانیان، تهران: میراث مکتوب.
- مخلصی، محمدعلی (۱۳۸۴)، *پژوهشی در کتیبه‌های دوران اسلامی تخت‌جمشید*، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- مصطفوی، محمدتقی (۱۳۸۲)، *اقلیم پارس*، تهران: انجمن مفاخر فرهنگی.
- منشی قزوینی، بوداق (۱۳۷۸)، *جواهر الاخبار (بخش تاریخ ایران از قراقویونلو تا سال ۹۸۴ق)*، تصحیح محسن بهرام‌نژاد، تهران: میراث مکتوب.
- منشی قمی، قاضی احمد (۱۳۸۳)، *گلستان هنر*، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: منوچهری.
- منصوری، فیروز (۱۳۶۶)، *فهرست اسامی و آثار خوشنویسان قرن دهم هجری قمری و نقد و بررسی گلستان هنر*، تهران: گستره.
- میبدی یزدی، کمال‌الدین میرحسین بن معین‌الدین (۱۳۷۹)، *شرح دیوان منسوب به امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب علیهم‌السلام*، تصحیح حسن رحمانی و ابراهیم اشک شیرین، تهران: میراث مکتوب.
- میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق (۱۳۸۷)، *کتیبه‌های یادمانی فارس (بناهای قرن هفتم تا دهم هجری)*، تهران: فرهنگستان هنر.
- میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق (۱۳۸۸)، «ابراهیم سلطان و کتیبه‌نگاری»، *صفه*، شماره ۴۹، صص ۲۱-۳۰.
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۴۷)، «پژوهشی درباره‌ی امور نظامی و غیر نظامی فارس (بخش اول)»، *ترجمه حسن جوادی، بررسی‌های تاریخی*، شماره ۱۸، صص ۱۸۵-۲۰۶.
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۴۸)، «پژوهشی درباره‌ی امور نظامی و غیر نظامی فارس (بخش دوم)»، *ترجمه حسن جوادی، بررسی‌های تاریخی*، شماره ۱۹، صص ۲۰۱-۲۳۲.
- نیبور، کارستن (۱۳۵۴)، *سفرنامه*، ترجمه پرویز رجبی، تهران: توکا.
- ووستنفلد، فردیناند؛ ماهلر، ادوارد (۱۳۶۰)، *تقویم تطبیقی هزاروپانصدساله هجری قمری و میلادی*، مقدمه و تجدیدنظر حکیم‌الدین قریشی، تهران: فرهنگسرای نیاوران.

نسخه خطی

- دوانی، جلال‌الدین محمد، رساله عرض، شماره ۲/۲۰۴۲، استانبول: توپقاپی سرای (مجموعه روان کوشکوک).
- دوانی، جلال‌الدین محمد، رساله عرض، شماره ۱۴۳۸، استانبول: کتابخانه سلیمانیه (مجموعه حمیدیه).
- دوانی، جلال‌الدین محمد، رساله عرض، شماره ۹۰۱/۱۸، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- دوانی، جلال‌الدین محمد، رساله عرض، شماره ۱۰۷۲۴/۴، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- دوانی، جلال‌الدین محمد، رساله عرض، شماره ۱۳۸۷۵/۲، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- دوانی، جلال‌الدین محمد، رساله عرض، شماره ۶۷۱۰/۲، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- دوانی، جلال‌الدین محمد، رساله عرض، شماره ۷۲۶۵/۵، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

دوانی، جلال‌الدین محمد، رساله عرض، شماره ۵۶۸۵/۲۳، تهران: کتابخانه ملی ملک.
دوانی، جلال‌الدین محمد، رساله عرض، شماره ۳۸۴۴/۳، تهران: کتابخانه ملی ملک.

- Leube, Georg (2018), "Āq Qoyunlu Turkmen Rulers Facing the Ruins of Takht-e Jamshid", *Der Islam*, 95(2), pp. 479-506.
- Melikian-Chirvani, Assadullah Souren (1971), "Le royaume de Salomon: les inscriptions Persanes de sites Achemenides", *Le monde iranien et l'islam*, 1: pp.1-41.
- Mousavi, Ali (2012), *Persepolis: Discovery and Afterlife of a World Wonder*, Berlin: Walter de Gruyter.
- Schmidt, Erich Friedrich (1953), *Persepolis: Structures, Reliefs, Inscriptions, I*, Volume 68 of Oriental Institute publications, Chicago Illinois: The University of Chicago Press.

Transliteration

- Afshar, Iraj; Daneshpzhoh, Mohammad Taghi (1990), Catalogue of the Manuscripts at the Malek National Library, Vol. 7, Tehran: Malek National Library.
- Basiri, Hossain (1946), A Companion to Persepolis, Tehran: Vezarat-e Farhang.
- "Bayazi-e Safavi" (2008), edited by Iraj Afshar, Nameh-ye Baharestan, Vol. 13-14, pp. 23-77.
- Bayhaghi Nishabori, Mohammad Hasan (2002), Divan Ali b. Abi Talib, edited by Abolghasem Imami, Tehran: Edareh-ye Owghaf va Omour-e Khairiyeh.
- Davani, Jalal al-Din Mohammad (1956), "The Military Review of Uzun Hasan's Army", edited by Iraj Afshar, Journal of Literature, Vol. 11, pp. 26-66.
- Forsat Shirazi, Mohammad Nasir (1998), Athar-e Ajam, Vol. 2, edited by Mansour Rastegar Fasa'i, Tehran: Amir Kabir.
- Hossaini Fasa'i, Mirza Hasan (2003), Farsnameh-ye Naseri, Vol. 2, edited by Mansour Rastegar Fasa'i, Tehran: Amir Kabir.
- Khonji Isfahani, Fazlallah Rouzbihan (2003). Alam-ara-ye Amini, edited by Mohammad Akbar Ashigh, Tehran: Miras Maktoob.
- Khoub Nazar, Hasan (2001), The History of Shiraz, edited by Jafar Moayyed Shirazi, Tehran: Sokhan.
- Lari, Mosleh Al-Din Mohammad (2014). Mirat al-Adwar & Mirghat al-Akhbar, Vol.2, edited by Jalil Saghravani, Tehran: Miras Maktoob.
- Leube, Georg (2018). "Āq Qoyunlu Turkmen Rulers Facing the Ruins of Takht-e Jamshid", *Der Islam*, Vol. 95(2), pp. 479-506.
- Mansouri, Firuz (1987), A Catalog of Tenth-Century Hijri Calligraphers and Their Works: With a Critical Review, Tehran: Gostareh.
- Meybodi Yazdi, Kamal al-Din Mir Hossain (2000), A Commentary on the Divan Ascribed to the Commander of the Ali b. Abi Talib, edited by Hasan Rahmani & Ibrahim Ashk Shirin, Tehran: Miras Maktoob.
- Minorsky, Vladimir (1968), "A Civil and Military Review in Fars (part 1)", *Barresiha-ye Tarikhi*, Vol. 18, pp. 185-206.
- Minorsky, Vladimir (1969), "A Civil and Military Review in Fars (part 2)", *Barresiha-ye Tarikhi*, Vol. 19, pp. 201-232.
- Mirzaabolghasemi, Mohammad Šadeh (2009), "Ibrahim Sulṭan & Katibeh-Negari" *Suffa*, Vol. 49, pp. 21-30.
- Mirzaabolghasemi, Mohammad Šadeh (2008), The Monumental Inscriptions of Fars, Tehran: Farhangestan-e Honar.
- Mokhlesi, Mohammad Ali (2005), Research on Islamic-Period Inscriptions at Persepolis, Tehran: Sazman-e Miras-e Farhangi.
- Monshi Qazvini, Budagh (1999), Jawaher al-Akhbar, edited by Mohsen Bahram Nezhad, Tehran: Miras Maktoob.

- Monshi qomi, Qazi Ahmad (2004), Golestan-e Honar, edited by Ahmad Sohaili Khonsari, Tehran: Manuchehri.
- Mostafavi, Mohammad Taghi (2003), Pars Region, Tehran: Anjoman-e Asar & Mafakher-e Farhangi.
- Niebuhr, Carsten (1975). Voyage, translated by Parviz Rajabi, Tehran: Tuka.
- Qazvini, Yahya b. Abd Al-Atif (2007). Lubb al-Tawarikh, edited by Mir Hashem Mohaddes, Tehran: Anjoman-e Asar & Mafakher-e Farhangi.
- Sami, Ali (1969), Capitals of the Achaemenid Empire, Shiraz: Chap-Khaneh Mousavi.
- Sami, Ali; Mostafavi, Mohammad Taghi (1955), Persepolis, Shiraz: Chap-Khaneh Mousavi.
- Sami, Ali (1974), "Commemorative Inscription of Royal Visits at the Tachara Palace of Darius the Great", Honar & Mardom, Vol. 148, pp. 2-12.
- Shapour Shahbazi, Ali Reza (2005), Documentary Guide to Persepolis, Shiraz: Bonyad-e Pazhouheshi-e Parseh.

Manuscripts

- Davani, Jalal al-Din Mohammad, The Military Review of Uzun Hasan's Army, No. 2042/2, Istanbul: Topkapi Palace (The Revan Kiosk Collection).
- Davani, Jalal al-Din Mohammad, The Military Review of Uzun Hasan's Army, No. 1438, Istanbul: Suleymaniye Library (Hamidiye Collection).
- Davani, Jalal al-Din Mohammad, The Military Review of Uzun Hasan's Army, No. 901/18, Tehran: Majles Library.
- Davani, Jalal al-Din Mohammad, The Military Review of Uzun Hasan's Army, No. 10724/4, Tehran: Majles Library.
- Davani, Jalal al-Din Mohammad, The Military Review of Uzun Hasan's Army, No. 13875/2, Tehran: Majles Library.
- Davani, Jalal al-Din Mohammad, The Military Review of Uzun Hasan's Army, No. 6710/2, Tehran: Library of Tehran University.
- Davani, Jalal al-Din Mohammad, The Military Review of Uzun Hasan's Army, No. 7256/5, Tehran: Library of Tehran University.
- Davani, Jalal al-Din Mohammad, The Military Review of Uzun Hasan's Army, No. 5685/23, Tehran: Malek National Library.
- Davani, Jalal al-Din Mohammad, The Military Review of Uzun Hasan's Army, No. 3844/3, Tehran: Malek National Library.

The Inscriptions of ‘Alī Mīrzā Āq Qoyunlu at Persepolis

Extended Abstract

Introduction: The Tachara Palace is a significant architectural monument at Persepolis. Located in southwest of the Apadana Palace, the complex consists of a hall, a portico, and several chambers. Dozens of monumental inscriptions dating back to the Islamic period are carved on the surfaces of its niches and windows, the earliest of which dates to the early fourth century AH/tenth century AD. Among these inscriptions are the names of several Iranian rulers and princes, including ‘Alī Mīrzā, son of Sulṭān Khalīl Āq Qoyunlu, to whom two inscriptions in the Tachara Palace are attributed. Executed in fine calligraphy, these inscriptions praise ‘Alī Mīrzā’s skill; however, he was still very young at the time, and they constitute the only known examples of his calligraphy. The inscriptions were written and carved in 881 AH/1476 AD, one day prior to Uzun Ḥasan’s military review at Band-e Amīr. Although the inscriptions themselves make no reference to this ceremony, historical written sources have discussed the event and explicitly referred to the inscriptions. The correlation of these inscriptions with the well-known treatise of Jalāl al-Dīn Moḥammad Davānī on Uzun Ḥasan’s military review has further intensified doubts concerning their attribution and historical context.

Previous studies have focused, to varying degrees, on the reading of the inscriptions and the historical issues associated with them. Nevertheless, doubts regarding the authenticity of these inscriptions persist, largely based on two main issues: first, the manner of their execution and the attribution of their script to ‘Alī Mīrzā; and second, the historical correspondence between the inscriptions and Uzun Ḥasan’s military review at Band-e Amīr. The aim of the present study was to address these issues through a detailed examination of the historical evidence and an analysis of the formal characteristics of ‘Alī Mīrzā’s inscriptions at Persepolis. To this end, the physical features of the inscriptions in the Tachara Palace were first examined in detail, and their texts were re-read. This was followed by an analysis of historical written sources that report on these inscriptions. The article also sought to discuss the probable reasons for the execution of ‘Alī Mīrzā’s inscriptions in the Tachara Palace and to determine their precise date, which in turn clarifies the days on which Uzun Ḥasan’s military review was held.

Method: This study employs a historical-analytical research method and is based on primary written sources as well as field investigations.

Conclusions: This investigation demonstrates that Jalāl al-Dīn Moḥammad Davānī’s account of ‘Alī Mīrzā’s inscriptional activity at Persepolis corresponds closely with the extant inscriptions; however, it is unlikely that ‘Alī Mīrzā himself served as the scribe of both inscriptions.

Calligraphers or secretaries attached to the court of Sultān Khalīl are more likely to have played a role in their execution. At the very least, the inscription on the eastern window of the portico of the Tachara Palace should be attributed to Aḥmad b. Ḥusayn. Furthermore, if Uzun Ḥasan's military review at Band-e Amīr constituted the reason for Sultān Khalīl Āq Qoyunlu's presence at Persepolis, then the existence of Ibrāhīm Sultān's inscriptions likewise served as the principal impetus for the execution of 'Alī Mīrzā's inscriptions in the Tachara Palace. This point has been explicitly acknowledged in the treatise of Jalāl al-Dīn Moḥammad Davānī, and a general comparison of the location and content of the inscriptions also supports this conclusion. For this reason, there is no reference to Uzun Ḥasan's military review in 'Alī Mīrzā's inscriptions. The content of these inscriptions, similar to the themes commonly found in other commemorative inscriptions at Persepolis, reflects notions of the transience and insignificance of the worldly realm. Moreover, an examination of the extant manuscript copies of Jalāl al-Dīn Moḥammad Davānī's treatise and their chronological correlation with 'Alī Mīrzā's inscriptions at Persepolis indicates that Uzun Ḥasan's military review was held on Thursday, Friday, and Saturday, corresponding to either 3–5, 10–12, or 17–19 Sha'bān 881 AH/1476 AD. The presence of Sultān Khalīl and the execution of 'Alī Mīrzā's inscriptions at Persepolis likewise coincided with Wednesday, either 2, 9, or 16 Sha'bān 881 AH/1476 AD.

Keywords: Persepolis; Tachara Palace; inscriptions; 'Alī Mīrzā Āq Qoyunlu; Uzun Ḥasan; military review.